

ثروتمند و فقیر

ایلان ماسک توضیح میدهد چرا دخترش نمی تواند با یک مرد فقیر ازدواج کند.

چند سال پیش کنفرانسی در ایالات متحده در مورد سرمایه گذاری و امور مالی برگزار شد. یکی از سخنرانان، ایلان ماسک بود و در جلسه پرسش و پاسخ، سوالی از او پرسیده شد که همه را به خنده انداخت.

اگر او، ثروتمندترین مرد جهان، می توانست بپذیرد که دخترش با یک مرد فقیر یا متواضع ازدواج کند.

پاسخ او می تواند چیزی را در همه تغییر دهد.

ایلان ماسک - اول از همه، این را درک کنید.

ثروت به معنای داشتن حساب بانکی چاق نیست. ثروت در درجه اول توانایی خلق ثروت است.

مثال: کسی که در لاتاری یا قمار برنده می شود. حتی اگر ۱۰۰ میلیون برنده شود، یک مرد ثروتمند نیست: او یک مرد فقیر با پول زیاد است. به همین دلیل است که ۹۰ درصد میلیونرهای لاتاری بعد از ۵ سال دوباره فقیر می شوند.

شما افراد ثروتمندی هم دارید که پول ندارند.

مثال: اکثر کارآفرینان.

آنها در حال حاضر در مسیر ثروت هستند، حتی اگر پولی نداشته باشند، زیرا در حال توسعه هوش مالی خود هستند و آن ثروت است.

فقیر و غنی چه تفاوتی با هم دارند؟

به بیان ساده: ثروتمند ممکن است بمیرد تا ثروتمند شود، در حالی که فقیر ممکن است بکشد تا ثروتمند شود.

اگر جوانی را دیدید که تصمیم دارد تمرین کند، چیزهای جدید بیاموزد، سعی می کند دائماً خود را بهبود بخشد، بدانید که او مرد ثروتمندی است.

اگر جوانی را دیدید که فکر می کند مشکل از دولت است و فکر می کند ثروتمندان همه دزد هستند و مدام انتقاد می کند، بدانید که او یک مرد فقیر است.

ثروتمندان متقاعد شده اند که فقط به اطلاعات و آموزش نیاز دارند تا پرواز کنند، فقرا فکر می کنند که دیگران باید به آنها پول بدهند تا بلند شوند.

در خاتمه، وقتی می گویم دخترم با مرد فقیر ازدواج نمی کند، من در مورد پول صحبت نمی کنم. من در مورد توانایی ایجاد ثروت در آن مرد صحبت می کنم.

بخشید که این را گفتم، اما بیشتر جنایتکاران مردم فقیر هستند. وقتی جلوی پول می روند، عقلشان را از دست می دهند، به همین دلیل دزدی می کنند، دزدی می کنند و غیره...

برای آنها این یک لطف است، زیرا نمی دانند چگونه می توانند به تنهایی درآمد کسب کنند.

یک روز نگهبان یک بانک کیسه ای پر از پول پیدا کرد، کیف را گرفت و رفت تا آن را به مدیر بانک بدهد.

مردم به این مرد احمق می گفتند، اما در واقع این مرد فقط یک مرد ثروتمند بود که پول نداشت.

یک سال بعد، بانک به او پیشنهاد شغلی به عنوان پذیرش داد، ۳ سال بعد او مدیر مشتری شد و ۱۰ سال بعد مدیریت منطقه ای این بانک را بر عهده گرفت، او صدها کارمند را مدیریت می کند و پاداش سالانه او بیش از مبلغی است که می توانست داشته باشد. دزدیده شده.

ثروت، اول از همه یک حالت ذهنی است.